

تحسين ويك نصيحت : ژاپن

مترجم : رشيد اصلاڻي

سازمان همڪاري و توسعه اقتصادي (ا.و.ا.ي. سي. دي) نمڪن است زبان احتياط آميز فني (=تڪنيڪي) را ترجيح دهد، لڪن هميشه بر اين امر اصرار نمي ورزد. اين سازمان، در بررسي اقتصاد ژاپن، كه در ماه گذشته انجام داد، با همه تلاش، كه به كار برد، فقط يك نصيحت كوچك، براي ژاپن داشت.

سازمان همڪاري و توسعه اقتصادي به ژاپن توصيه كرد، كه براي تأمين كسري مالي خود —ه افزايش مالياتها توجه كند و اين اولين بار نيست كه سازمان به ژاپن چنين نصيحتي مي كند. سازمان مي گويد: "ين" بايد، واقعا"، ارزش بيشتري داشته باشد، اگرچه در كوتاه مدت، از ژاپن براي رسيدن به اين هدف، عملا" هيچ كاري ساخته نبود. و ژاپن نبايد از راهي كه برگزيده بود، يعني آزاد سازي مالي¹ انحراف پيدا كند.

اما سازمان همڪاري و توسعه اقتصادي، در مجموع خود را ملزم ديد كه كل نظام مديريت اقتصاد ژاپن و مهارتي را كه مقامات ژاپني در برخورد با مسئله سياست گزيني از ميان گزينه هاي دشوار از خود نشان داده بودند، مورد تحسين قرار دهد.

مي توان گفتم مهارت واقعي ژاپني ها در طول سال گذشته، به جز انتخاب روش آزاد سازي مالي، مقاومت آنها در برابر وسوسه اقدام به هر عمل ديگري بوده است.

سياست گذاري دولت در حد قابل ملاحظه اي، حالت انفعالي داشته است. با وجود حجم كسري سياست مالي به طور كلي به منظور ملايمي محدود كننده بوده است، در هيچ يك از بودجه هاي سالهاي ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ كمترين محرک اقتصادي مشاهده نمي شد. به رغم نوسان ارزش "ين"، نرخ تنزيل، از ماه دسامبر ۱۹۸۱ تا كنون، فقط يك بار و بسيار به موقع، تغيير نموده است. در سياست پولي جوانب احتياط كه چندان بازدارنده نيستند مراعات مي شود.

* J. Martin. "Praise and a slap on the wrist". *Financial Times*.

sept 17/84. PP.X-XI

1- Financial Liberalization.

اتفاقی که افتاده چنین است: اقتصاد ژاپن که هیچ‌گاه به اندازه اقتصادهای غرب سقوط نکرده است، در مقایسه با معیارهای خود، و به عبارت دقیقتر همراه با احیای اقتصاد ایالات متحد بهبود یافته است. ژاپن برای بهتر شدن درصد رشد واقعی که برای سه سال تأمین شده بود، صادرات خود، بویژه به ایالات متحد را سریعاً افزایش داد.

اما اکنون، این روش، نه به دلیل توصیه‌های همگامی و توسعه اقتصادی، بلکه در اثر تحلیلهایی که بخش خصوصی و دولتی ژاپن انجام داده‌اند، تغییر می‌کند. و روش جایگزین آن رشدی به مراتب متوازنتر و ثبات تقاضای داخلی را برای چندین سال پیشنهاد می‌نماید که به تدریج نیروی محرکه خود را بازیابد.

از اقتصاد ژاپن انتظار رشد عجولانه‌ای مشابه رشد دهه ۱۹۶۰ نمی‌رود، لکن احتمالاً "در طول ۱۸ ماه آینده با نرخ حدود ۵ درصد در سال (با این فرض که در بازار ایالات متحد برای کالاهای ژاپن تغییر اساسی رخ ندهد) رشد خواهد داشت. علاوه بر این به نظر می‌رسد، رشد مورد بحث، با حداقل تورم همراه باشد. بهای کالاهای مصرفی، در حال حاضر، فقط با کمی بیش از دو درصد در سال، در حال افزایش است.

بر اساس معیارهای (= استانداردهای) ژاپنی، بدغم بهبود بدست آمده، بیکاری در سطحی نسبتاً بالا یعنی ۲/۸ درصد باقی می‌ماند. لکن می‌توان این وضع را با رشد پیوسته نیروی کار و پیوستن تعداد بیشتری از زنان به کارهای خارج از محیط خانه، توجیه نمود.

شاید شاخص بهتری از سطح فعالیت‌های اقتصادی آن باشد که تابستان امسال تعداد ساعات اضافه کاری در صنایع تولیدی، نسبت به سال ۱۹۸۳ ده درصد بیشتر بوده است، در حالی که نسبت مشاغل جدید برای جویندگان کار نیز در حد قابل توجهی افزایش نشان می‌دهد.

باور گسترده‌ای به وجود آمده است، که اگر بخش دولتی تنها محرکهای محدود فنی و بخشی را تأمین نماید، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تقاضای فراینده داخلی، کماکان نیروی محرکه رشد خواهند بود.

کیفیت

چیزی که سازمان همگامی و توسعه اقتصادی را تحت تأثیر قرار داد، افزایش رقم سرمایه‌گذاری شرکتها نبود بلکه کیفیت مستتر در این ارقام، در قالب نوآوریهای فنی بود.

به علاوه، اگرچه برخی شرکتهای بزرگ هم توسعه سرمایه‌گذاریهای خود را برنامه‌ریزی می‌کنند - به‌عنوان مثال تویوتا، بودجه سال مالی ۱۹۸۴ خود را نسبت به بودجه سال ۱۹۸۳، ۲۷ درصد افزایش داده است - احتمالاً، حرکت اصلی را شرکتهای کوچک و متوسطی به‌وجود خواهند آورد که در اوائل این دهه بیشترین خسارتها را متحمل شده‌اند.

کلید موفقیت ژاپن، بخصوصی در رشته الکترونیک، در دست این شرکتهاست و این حقیقت، ممکن است برای رقبای ژاپن، یعنی آنها که برای آینده سرمایه‌گذارهای عظیمی می‌کنند، تلخ و نگران کننده باشد.

میزان پولی که مصرف کننده خرج می‌کند، آثار تدریجی یک اقتصاد عموماً "پیشرفته را به نمایش می‌گذارد، اگرچه هنوز اثرات کامل آن نمایان نشده است. پیش‌بینی می‌شود، درآمد قابل‌هزینه خانواده‌ها، امسال و سال آینده، حدود ۶ درصد افزایش داشته باشد. در حالی که انتظار می‌رود نسبت پس‌اندازها، در حد کمی بیش از ۱۷٪ ثابت باقی بماند (البته قبل از رکود گذشته، در سطح ۲۰٪ بوده است).

نورم ناچیز و توان مالی خوب مصرف کننده، از این پس تغییر شکل ژاپن را، به یک جامعه مصرفی‌تر منطقی می‌نماید؛ و شاید رواج مجدد خانه‌سازی در ژاپن را نیز بتوان بدین نحو توجیه کرد.

ولی آنچه گفته شد بدان معنی نیست که ژاپن در بازارهای صادرات قدرت ضعیفی به حساب آید - اگرچه این معنی را می‌دهد، همچنان که ارقام ماهانه اخیر نیز چنین می‌نماید که ظرفیت واردات ژاپن بالا می‌رود و شاید هم تمایل تیزبینانه بیشتری به خرید کالا و خدمات خارجی پیدا شود.

با وجود این، ژاپن، به رغم همه نتایجی که ممکن است اصطکاک در سطح تجاری بین‌المللی پدید آورد، تصمیم گرفته است در آینده قابل پیش‌بینی به تجارت انبوه و تأمین مازاد برای حساب جاری‌اش، ادامه دهد. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی حتی ممکن است در پیش‌بینی مازاد تجاری ژاپن، معادل مبلغ ۴۱ و ۴۷ میلیارد دلار آمریکایی، به ترتیب برای سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ و مازاد حساب جاری ۳۰ و ۳۶ میلیارد دلار برای سالهای فوق، جانب احتیاط را رعایت کرده باشد. این بار تفاوت در این است که حتی ارقام مازاد یاد شده، ممکن است با همان اندازه و حتی بیشتر، با خروج سرمایه نیز همزمان باشند.

داده‌های آماری موجود، بر پایه ارقامی استوار است که در مدت کوتاهی گردآوری شده است، از این رو نمی‌تواند راهنمای قابل اطمینانی محسوب شود. اما به دلایل زیر به نظر می‌رسد، خروج سرمایه از ژاپن در حال افزایش است؛ "اولاً": به این علت که ژاپن، در حال حاضر، از نظر نقدینگی غنی است، ثانیاً": به علت نرخ بالای بهره در ایالات متحد و ثالثاً": خروج سرمایه در ماههای مه، ژوئن و ژوئیه امسال که از مرز ۱۸ میلیارد دلار گذشت؛ و همین وضع در تمامی طول سال ۱۹۸۳ ادامه داشت.

به عنوان یک قاعده، حداقل براساس تجربه اخیر ژاپن، مازاد حساب جاری باعث قویتر شدن پول، و خروج سرمایه باعث کم ارزش شدن آن می‌گردد.

مسئله این است که در حال حاضر، "بین ژاپن در دام خیانت دلار گرفتار آمده است. البته این گرفتاری به شدت گرفتاری کشورهای اروپایی نیست، لکن به اندازه‌ای هست که ژاپن را، برای جلوگیری

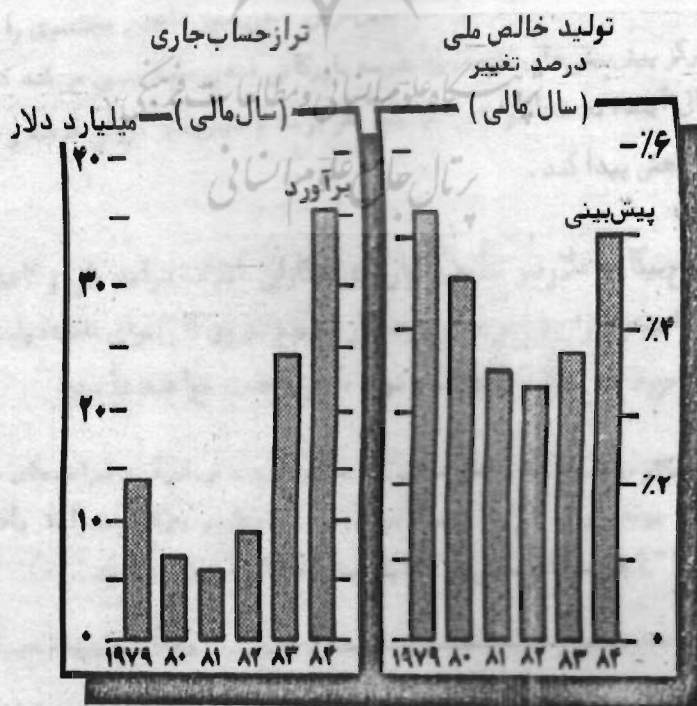
←

از خطر کاهش نرخي که "ين" را تهديد مي کند. به فکر پيش بيني هايي بنيندازد.

دولت و صنعت ژاپن به خوبي تشخيص مي دهند که "ين" قدرت واقعي شالوده اقتصادي ژاپن را به نمايش نمي گذارد. اما به نظر مي رسد تا نرخهاي بهره خارجي و يا دلار که در اختيار ژاپن نيست، تنزل نکند، کمتر اقدامي ميسر باشد. تنها مطلبي که بخصوصي در رابطه با ايالات متحد مي توان مطرح کرد، آن است که به نظر مي رسد، دامنه وسع خروج سرمايه از ژاپن، که وسيله عمده تأمين کسري ايالات متحد است، شکوه طولاني ايالات متحد را از کم برآوردشدين ارزش "ين" خنثي خواهد نمود.

فرآيند آزاد سازي در امور مالي، که ژاپن به آن تکیه کرده است پول ژاپن را به قدرت بشنري خواهد رساند لکن نياز به زمان دارد. همچنين بايد خاطر نشان ساخت که حالت انفعالي دولت ژاپن در سياستهاي مالي خود - اگرچه تحت فشار و محدوديتهاي رياست اقتصادي ناشي از کسريها - بحثهاي شديدي را در باره جهت سياستهاي اقتصادي برانگيخته است.

موضوع برخي از اين بحثها خود کسري است. از آنجا که از سال آينده به بعد، تأمين رقم عظيمي نيز جهت بازپرداخت وامهاي موعدرسيده دولت مطرح است. و اين بمنوبه خود بحثهاي داخلي ديگري را سبب شده است که ماليات در ژاپن (که به طورکلي از نظر معيارهاي متعارف بين المللي در سطح پايينتر قرار دارد) و موضوع وضع مالياتهاي غير مستقيم بشتر (مختلا از حمله ماليات بر ارزش افزوده) را مطرح مي سازد.



موضوع دوم بیشتر جنبه سیاسی دارد و آن عبارت است از مطرح شدن مجدد یک مکتب اندیشه، در درون حزب لیبرال - دموکرات حاکم که حزبی محافظه کار است؛ مکتبی که تحرک بیشتر اقتصادی دولت، و نه کمتر، آن را مطرح می سازد.

به طور خلاصه، چنین وضعی، دلالت بر این دارد که زیربنای سرمایه اجتماعی زاین (مخاسرات، ارتباطات، آموزش و پرورش و خانه سازی) جوانگوی جازهای ملی نیست، و نیاز به یک رشد اقتصادی را مطرح می سازد که نرخ سالانه آن ۶٪ بالاتر از سطحی قرار دارد که برنامه ریزان کشور آن را مطلوب یا قابل حصول فرض کرده اند.

با وجود این، احتمال این که زاین، با تثاب اقتصاد خود را به مسیری افراطی هدایت کند، وجود ندارد. زیرا هیچ دلیلی بر توفیق چنین عملی فردست نیست. □

